

نقد و بررسی نقش آموزشی تصویر در کتاب‌های آموزش زبان عربی به غیر عرب‌زبان‌ها (بررسی موردی: کتاب تاریخ الأدب العربی، اثر حنا الفاخوری)

دکتر هادی نظری منظم*
سیدرضا موسوی**

چکیده

تصویر یکی از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر فرایند یادگیری - یاددهی است که از دیرباز در کتاب‌های آموزشی از آن استفاده شده است. برخی کتب آموزشی تاریخ ادبیات نیز با استفاده از تصویر، یادگیری مسائل تاریخی را ملموس‌تر و عینی‌تر می‌کنند. اما تصویر موقعی به یادگیری متن کمک می‌کند که تنها تزئین‌گر کتاب نباشد، بلکه گسترش‌دهنده متن باشد و این امر، تنها با رعایت استانداردهای تصویر آموزشی در یک کتاب امکان‌پذیر است. از این رو، شناخت این استانداردها و رعایت آن‌ها اهمیت فراوانی دارد.

پژوهش حاضر با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی و با تکیه بر نظر صاحب‌نظران در خصوص شاخصه‌های تصویر مناسب برای کتاب آموزشی، به بررسی میزان رعایت استانداردهای تصویر آموزشی در کتاب تاریخ الأدب العربی نوشته حنا الفاخوری می‌پردازد، که یکی از منابع مهم درسی و پژوهشی در دانشگاه‌های ایران است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که بیشتر معیارهای مهم و تأثیرگذار یک تصویر مناسب برای کتاب آموزشی در تصاویر این کتاب رعایت نشده یا به ندرت رعایت شده است.

* استادیار دانشگاه تربیت مدرس (hadi.nazari@modares.ac.ir) (نویسنده مسئول).

** دانشجوی کارشناسی ارشد آموزش زبان عربی، دانشگاه تربیت مدرس

(rezamousavi@modares.ac.ir)

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۱/۱۹

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۷/۷

کلیدواژه‌ها

آموزش زبان عربی، تصویر در کتاب‌های آموزشی، حنا الفاخوری.

مقدمه

یکی از روش‌های یادگیری دیدن تصاویر است. انسان‌ها با نگاه کردن به عکس‌ها، طرح‌ها و تصاویر، آن‌ها را به ذهن منتقل، و به صورت تصویر در مغز بایگانی می‌کنند (ظهراپی، ۱۳۸۶: ۲۵۱). زبان تصویر قادر است مؤثرتر از هر وسیله ارتباطی دیگر، دانش بشر را نشر دهد (زارعی زوارکی و جعفرخانی، ۱۳۹۲: ۲۸). امروزه متخصصان امر تعلیم و تربیت، برای آموزش مفاهیم و موضوعات از روش آموزش غیر مستقیم بهره می‌برند. تصویر نیز به عنوان یکی از موفق‌ترین ابزار آموزشی غیر مستقیم به علت اثرگذاری از طریق بینایی افراد، نقش مهمی در یادگیری دارد. چرا که تحقیقات نشان می‌دهد، ۷۵ درصد از یادگیری افراد از طریق بینایی حاصل می‌شود. تصویر می‌تواند جزئیات یک واقعه را در حداقل زمان و با دقت بسیار زیاد ترسیم نماید (سعدی، ۱۳۷۶: ۲۰؛ شاد قزوینی، ۱۳۸۷: ۲۹۱).

اهمیت تصویر در آموزش زبان دوم تا حدی است که یکی از روش‌های آموزش زبان یعنی روش «سمعی - بصری» بر اساس آموزش با تصویر بنا شد؛ و حتی در شیوه سمعی - شفاهی که تقریباً مقارن با شیوه سمعی - بصری سگو است، تصاویر جایگاه ویژه‌ای دارند (صدرزاده، ۱۳۸۴: ۱۲۳). حتی بسیاری از فرهنگ‌های لغت جدید برای آموزش واژگان از تصویر استفاده می‌کنند؛ زیرا «تصویر واژه به خواننده کمک می‌کند تا معنی آن را، به صورت دقیق، در ذهن تجسم کند» (ابو الفرج، ۱۹۶۶: ۱۲۶).

بی‌شک، استفاده از تصویر در درس تاریخ ادبیات اهمیت فراوانی دارد، چرا که تصویر می‌تواند همچون پلی، حال را به گذشته وصل کرده، و سبب شود که دانشجو با دیدن تصویر اشخاص، اماکن و یا وقایع تاریخی، در کنار متن، آن‌ها را در ذهن مجسم کرده و به شکل ملموس، مطالب را بهتر و سریع‌تر یاد بگیرد. و حتی چنین به نظر می‌رسد که در تمامی رشته‌های مشاهده‌ای از قبیل: تاریخ، جغرافیا، علوم طبیعی، فن‌شناسی، نقاشی، کاربرد عکس ضرورتی تربیتی است (ژاک بولان و همکاران، ۱۳۶۶: ۱۳). اما استفاده از تصویر در صورتی امر آموزش را تسهیل خواهد کرد که استانداردهای تصویر آموزشی خوب را رعایت کرده باشد، و برای دانشجو جذاب بوده، و متناسب با اهداف آموزش به کار رفته باشد.

نظر به این که کتاب آموزشی، در کنار روش تدریس و اهداف آموزشی و ارزشیابی، از عناصر اصلی آموزش است، اما مشاهده می‌شود که دانشجویان دوره کارشناسی زبان و ادبیات عربی به ظاهر نامناسب کتاب‌های آموزشی درس تاریخ، و ناتوانایی آن‌ها در برانگیختن اشتیاق دانشجو به یادگیری اعتراض دارند و یادگیری عمیق مفاهیم آن را کاری دشوار می‌دانند. علاوه بر این، با مشاهده تصاویر کتاب *تاریخ الأدب العربی* به وضوح مشخص است که در اکثر آن‌ها نمی‌توان فهمید که این تصویر دقیقاً چه چیزی را نشان می‌دهد، و هدف آن چیست؟

در این پژوهش با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی به بیان ویژگی‌ها و استانداردهای تصویر در کتاب آموزشی پرداخته، و سپس میزان رعایت این استانداردها در تصاویر کتاب *تاریخ الأدب العربی* تألیف حنا الفاخوری بررسی می‌شود، تا با ارائه راهکارهایی، به تدریس هرچه بهتر درس تاریخ ادبیات عربی و متناسب کردن کتاب این درس با نیاز دانشجویان، که در آموزش دانشجومحور امروزه، مهم‌ترین رکن در آموزش هستند، کمک شایانی شود و رغبت و شوق آن‌ها به مطالعه این کتاب برانگیخته و سعی شده است تا به سؤالات زیر پاسخ داده شود:

۱. ویژگی‌های یک تصویر مطلوب برای استفاده در کتاب آموزشی درس تاریخ ادبیات چیست؟
۲. چند درصد از تصاویر کتاب *تاریخ الأدب العربی* اثر حنا الفاخوری شاخص‌های یک تصویر مطلوب کتاب آموزشی را دارند؟

پیشینه پژوهش

در زمینه بررسی نقش تصویر در کتاب‌های تاریخ ادبیات رشته زبان و ادبیات عربی تحقیقی صورت نگرفته، ولی از جمله در پژوهش‌هایی که تأثیر تصویر در آموزش، به طور کلی یا در آموزش زبان بررسی شده است، می‌توان موارد زیر را نام برد:

۱. بدره کحسیس (۲۰۱۰)، *سیمیائیة الصورة فی تعلیم اللغة العربیة*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه فرحات عباس (سطیف) الجزائر. نویسنده در ابتدا مباحثی را در ارتباط با تصویر، مظاهر آن در تاریخ فرهنگ بشری، تغییر نگرش نسبت به تصویر از گذشته تا حال، و نظریه‌های فلسفی و روان‌شناختی مربوط به ادراک دیداری و تفکر با استفاده از تصویر ذکر کرده است؛ سپس به بیان مسائلی در زمینه نشانه‌شناسی و موضوعات

آن و نشانه‌شناسی تصویر پرداخته و در پایان تأثیر تصویر در فرایند آموزش زبان به خردسالان و استفاده آنان از تصویر به عنوان ابزار تقویت قدرت تفکر و ابداع را توضیح داده است؛ بدین منظور به بررسی موردی کتاب‌های سال اول و دوم ابتدایی در مدارس الجزایر و پیام‌هایی که تصاویر این کتاب‌ها می‌رسانند پرداخته است. نتایج پژوهش حاکی از این بوده است که اگرچه تصویر نقش بسزایی در آموزش خردسالان دارد اما برخی تصاویر کتاب‌ها گاه پیام‌هایی منفی می‌رسانند و با اهداف تربیتی تعارض دارند.

۲. عونی الفاعوری، و ایناس أبو عوض (۲۰۱۲)، «أثر استخدام الصورة فی تعلیم اللغة العربية للناطقین بغيرها فی الجامعة الأردنية»، چاپ شده در مجله *دراسات العلوم الانسانية والاجتماعية*، دوره ۳۹، شماره ۲. این پژوهش به بررسی تأثیر استفاده از تصویر در آموزش واژگان و عبارت‌های زبان عربی به غیر عرب‌زبان‌ها در دانشگاه اردن پرداخته است. جامعه آماری آن را دانشجویان غیر عرب‌زبان کانون زبان اردن تشکیل داده‌اند، و حجم نمونه ۱۶ دانشجو است که به دو گروه کنترل و آزمایش تقسیم شدند. پژوهشگران، به گروه کنترل بدون استفاده از تصویر، و به گروه آزمایش با استفاده از تصویر زبان عربی را آموزش دادند. نتایج پژوهش حاکی است که دانشجویان گروه آزمایش، معنای متن، کلمات، و جملات را بسیار بهتر و سریع‌تر از دانشجویان گروه کنترل یاد می‌گیرند که این امر بیانگر تأثیر مثبت و بسزای استفاده از تصویر در آموزش زبان عربی است.

۳. ایو فوجی استوتی (۲۰۱۴)، *تأثیر استخدام وسیلة الصورة فی تعلیم مهارة الکلام لتلاميذ الصف الثامن بالمدرسة الثانوية الإسلامية نور الهدی فولی ترنجالیک*. این اثر پژوهشی برای دریافت مدرک عالم دینی در دانشگاه تولونگ اگونگ است. پژوهشگر تأثیر استفاده از تصویر را در آموزش مهارت گفتن با روش نیمه‌تجربی پیش‌آزمون - پس‌آزمون مطالعه کرده است؛ پس از قرار دادن نمونه آماری در دو گروه کنترل و آزمایش، به گروه کنترل با روش سنتی و به گروه آزمایش با استفاده از تصویر مهارت گفتن را تدریس کرده است. نتایج این پژوهش، حاکی از تأثیر مثبت تصویر در آموزش مهارت گفتن به دانش‌آموزان کلاس هشتم مدرسه نورالهدی فولی ترنجالیک است.

۴. نگار داوری اردکانی، و آناهیتا فارسی (۱۳۹۲)، «گرافیک در کتاب‌های آموزش زبان فارسی به غیر فارسی‌زبانان: نقش ارتباطی و کارکرد آثار گرافیک در رویدادهای آموزشی»، *پژوهش‌نامه آموزش زبان فارسی به غیر فارسی‌زبانان*، سال دوم، شماره نخست. پژوهشگران در این مقاله پس از بیان نه نقش ارتباطی برای آثار گرافیک، به بررسی میزان

توزیع آن نقش‌ها در پنج جلد کتاب *فارسی بیاموزیم* نوشته ذوالفقاری و همکاران پرداخته و در پایان به این نتیجه رسیده‌اند که آثار گرافیک در متون مورد مطالعه در نقش ارتباطی آراینده، بازنما، روندنما، توجه‌دهنده و انگیزنده به کار رفته است؛ همچنین، این آثار با رویدادهای آموزشی فعال‌سازی دانش پیشین، ارائه محتوای درس، ایجاد فرصت برای تعامل با درس و انتقال یادگیری به کار رفته‌اند.

۵. ژوزف کوهیل (۱۳۹۳)، «استفاده از تصویر در تدریس تاریخ»، مجله رشد آموزش تاریخ، ترجمه داریوش زارع و منصور چهارازی، دوره ۱۵، شماره ۴. محقق با انجام یک تحقیق تجربی روی دانش‌آموزان خود، به این نتیجه رسیده است که آموزش درس تاریخ با استفاده از نمایش عکس (در پاورپوینت) روی مانیتورهای بزرگ و توضیح معلم در رابطه با آن تصاویر بسیار موفق‌تر از تدریس به وسیله کتاب و متن است. همان‌گونه که ملاحظه می‌کنیم هیچ پژوهشی در زمینه نقد و بررسی نقش آموزشی تصویر در کتاب‌های تاریخ ادبیات عربی برای آموزش به غیر عرب‌زبان‌ها صورت نگرفته است و پژوهش حاضر کاملاً نو است.

چارچوب نظری پژوهش

قبل از بررسی کتاب *تاریخ الأدب العربی*، اثر حنا الفاخوری لازم است از ویژگی‌ها و استانداردهای تصویری کتاب‌های آموزشی و همچنین تأثیر تصویر بر یادگیری شناخت کافی داشته باشیم. در این بخش مطالبی را درباره جایگاه تصاویر آموزشی و انواع آن‌ها و ویژگی‌های یک تصویر مناسب بیان می‌کنیم.

جایگاه تصویر در کتاب آموزشی

درباره جایگاه تصویر در کتاب‌های مصور، از زبان مورس سنداک، تصویرگر برجسته کتاب‌های کودکان چنین می‌خوانیم: تصاویر می‌توانند تزیین‌گر کتاب یا گسترش‌دهنده متن باشند و این بستگی به آن دارد که شما به عنوان یک تصویرگر، کدام‌یک را انتخاب کنید و یا برداشت شما از متن چه باشد. به همین دلیل، می‌گوییم تصویرگر، سهم مهمی در تدوین یک کتاب دارد. تصویرگر مقلد نویسنده نیست، یک شریک است، کسی که مانند نویسنده کتاب، حرف مهمی برای بازگو کردن و گاه نقشی مهم‌تر از نویسنده برعهده دارد (لرین و سنداک، ۱۳۷۷: ۷۵).

تصویرها همیشه در یادگیری و انتقال آن به دنیای واقعی اهمیت دارند؛ از نقاشی‌های درون غارها گرفته تا آثار روی دیوار کلیساهای قرون وسطی و تصاویر کتاب کودکان. تصویر همواره یک وسیله ارتباطی مهم برای انسان بوده است. تصویر، عکس و ابزارهای تصویری مانند نمودار و نقشه، یادگیری را تقویت می‌کنند. حافظه دیداری و به‌خاطر سپاری مطلب به کمک تصویر، از جمله فنون آموزشی مؤثر هستند. پورشه انواع وسایل دیداری را در امر آموزش بررسی کرده، تصویر را به عنوان شناخته‌شده‌ترین وسیله دیداری معرفی می‌کند که از دیرباز تا کنون، جزئی از کتاب‌های آموزشی بوده است و با توجه به این که به دانش‌آموزان احساس درک واقعی می‌دهد، می‌تواند یک وسیله آموزشی ملموس در رشته‌هایی مانند تاریخ، جغرافیا، علوم طبیعی و نقاشی باشد (قپانداری بیدگلی و ضیا حسینی، ۱۳۹۲: ۱۲۲). در آموزش زبان نیز لازم است معلم از وسایل دیداری استفاده نماید؛ اصل دیداری یکی از اصول بنیادی در آموزش زبان است که معمولاً با نمایش خود اشیاء و تصاویر تحقق می‌یابد. تصاویر، نمودارها، لوحه‌ها و کارت‌ها، از جمله وسایل کمک آموزشی غیر فنی‌اند که معلم می‌تواند برای سنین و سطوح مختلف، آن‌ها را به کار برد (قپانداری بیدگلی و ضیا حسینی، ۱۳۹۲: ۱۲۲؛ به نقل از: Celce-Murica).

وسایل دیداری سبب ایجاد انگیزه در زبان‌آموزان شده، آنان را به یادگیری علاقه‌مند کرده، یادگیری را آسان‌تر می‌کند. وسایل دیداری در توضیح مطالب، نقد و بررسی آن‌ها و ایجاد ارتباط و هماهنگی بین آن‌ها به معلم کمک می‌کنند و یادگیری را عینی‌تر، جذاب‌تر، معنادارتر و مؤثرتر می‌سازند. تصویرها، به ویژه تصویرهای کتاب، به عنوان یک منبع اطلاعاتی غیر زبانی در کنار اطلاعات زبانی، مفهوم جامعی به زبان‌آموز ارائه می‌کنند؛ زمانی که زبان‌آموز مطلبی را می‌خواند، در کنار بافت زبانی، بافت‌های غیر زبانی مثل اشیاء و تصاویر به زبان‌آموز در دریافت درون‌دادهای زبانی کمک می‌کنند. در واقع، اطلاعات غیر زبانی به او کمک می‌کنند تا حدس بزند و معنی را سریع‌تر درک نماید (قپانداری بیدگلی و ضیا حسینی، ۱۳۹۲: ۱۲۳). رایت بر استفاده از اطلاعات غیر زبانی در کنار اطلاعات زبانی در روش ارتباطی تأکید می‌کند. در سال‌های اخیر نیز معلمان بر معرفی زبان جدید به زبان‌آموز از طریق بافت‌های مناسب تأکید بیشتری داشته‌اند (Wright, 1989: 137).

تقسیم‌بندی تصاویر

طی چندین سال گذشته، صاحب‌نظران روش‌های بی‌شماری برای تقسیم‌بندی تصاویر ارائه

داده‌اند. در این میان، دو تقسیم‌بندی کلی که زارعی زوارکی و جعفرخانی - به نقل از آلین شروم - ذکر کرده‌اند، پیشنهاد داده است که عبارت‌اند از:

نمایش تصویری: نمایش تصویری شامل نقاشی، عکاسی و رسم هر گونه مطلب به صورت دیداری است که از طیف واقعی تا انتزاعی گسترده است. این گونه نمایش‌ها چندوجهی (چندمعنی) هستند؛ یعنی به طور هم‌زمان بر اساس عینی بودن نمایش، میزان ابهام اطلاعات آن، درک انفرادی و تفسیر بیننده، چندین معنا از آن استخراج می‌شود (زارعی زوارکی و جعفرخانی، ۱۳۹۲: ۲۹، به نقل از: وکری).

نمایش گرافیکی: نمایش‌های گرافیکی مانند دیاگرام، نقشه و جداول موجود در متن هستند که با توجه به سطح تحصیل و زمینه محتوا، توانایی یادگیرنده در تفسیر معنی از آن‌ها متفاوت است (زارعی زوارکی و جعفرخانی، ۱۳۹۲: ۲۹، به نقل از: گیلسپی).

رایت (Wright, 1989: 189-230) انواع تصاویر و کاربرد آن‌ها را این گونه برمی‌شمارد: تصویر اشیاء منفرد، تصویر اشخاص، تصویر مشاهیر، تصویر گروهی از اشخاص، تصویر افراد در حال انجام فعالیت، تصویر اماکن، تصویرهای تاریخی و جز این‌ها. معلم می‌تواند با استفاده از انواع مختلف تصاویر، فعالیت‌های متنوع زبانی را تنظیم نموده، از آن‌ها برای بالا بردن سطح یادگیری و تقویت مهارت‌های زبانی، به طرق مختلف استفاده کند و انواع آن را در یک کلاس به کار ببرد (قیاننداری بیدگلی و ضیاحسینی، ۱۳۹۲: ۱۲۳، به نقل از: رایت).

شاخص‌های تصویر مطلوب برای کتاب‌های آموزشی

به کارگیری تصویر و متن در کنار هم، به درک بهتر می‌انجامد (زارعی زوارکی و جعفرخانی، ۱۳۹۲: ۳۶، به نقل از: مایر)؛ اما باید توجه داشت که تأثیر وسایل دیداری بر یادگیری، تابع عوامل و شرایط مختلفی از جمله هدف آموزش، مخاطب و نیازهای او، و روش آموزش است (قیاننداری بیدگلی و ضیاحسینی، ۱۳۹۲: ۱۲۱-۱۲۲). پس جست‌وجو، گزینش، و به کارگیری تصاویر مناسب برای استفاده در کتاب آموزشی تاریخ، مهم‌ترین و در عین حال، پرزحمت‌ترین بخش تدریس آن است. بنابراین، در جست‌وجو و انتخاب تصاویر در کتاب آموزشی باید به نکات زیر توجه داشت:

نخست، در انتخاب تصاویر باید دقت شود که با معانی و مفاهیم کاملاً ارتباط داشته باشند.

دوم، تصاویر باید کاملاً واضح و روشن باشند (جموعی، ۲۰۱۳: ۶۶؛ الفاعوری و

أبو عوض، ۲۰۱۲: ۲۸۲).

سوم، تصاویر باید تا حد امکان ساده و بزرگ باشند، و نباید چندان شلوغ و پیچیده باشند، زیرا چنین تصاویری موجب سردرگمی دانشجویان می‌شود؛ مگر این که دلیل خاصی برای انتخاب تصاویر فنی و پیچیده وجود داشته باشد. همچنین، نقشه‌ها باید کاملاً ساده انتخاب شوند، مگر آن که جزئیات خاصی برای روشن‌سازی و تفسیر در نظر باشد (کوهیل، ۱۳۹۳: ۱۵).

چهارم، تصاویری را باید انتخاب نمود که به آسانی قابل تعبیر و تفسیر باشند، و دانشجو باید به راحتی منظور تصویر و ارتباط آن با مضامین کتاب را بفهمد و نباید تصویر به گونه‌ای پیچیده باشد که دانشجو برای تفسیر و فهم مضمون و ارتباط آن با متن تلاش فراوانی نماید (القاسمی، ۱۹۹۱: ۱۵۴؛ احدیان، ۱۳۹۶: ۱۰۰).

پنجم، تصاویر باید متناسب با هدف یادگیری انتخاب شوند؛ یعنی با توجه به هدف‌ها و نتایجی که انتظار داریم، از عکس‌ها به روش گوناگون استفاده می‌شود؛ یعنی تصویر یا از نوع نمایشی است تا مطلب عینی بهتر تفهیم شود، یا از نوع توضیحی است تا به درک درست بینجامد و یا انتقالی است تا امکان بازیابی و کدخوانی بهتر انجام شود. به بیانی دیگر، باید عکس‌های معنی‌دار انتخاب شود (زارعی زوارکی و جعفرخانی، ۱۳۹۲: ۳۵؛ احدیان، ۱۳۹۶: ۱۰۰؛ ذوفن و لطفی‌پور، ۱۳۷۳: ۱۱۵-۱۱۶).

ششم، اعتبار و توانایی تصویر در برانگیختن علاقه زبان‌آموز (ذوفن و لطفی‌پور، ۱۳۷۳: ۱۱۵-۱۱۶).

هفتم، از بارزترین ویژگی‌های تأثیرگذار بر فرایند یادگیری، عنصر رنگ آمیزی خوب و مؤثر، برجستگی تصویر، تنوع خط و شکل و تضادهای نقوش است (ذوفن و لطفی‌پور، ۱۳۷۳: ۱۱۵-۱۱۶؛ شاد قزوینی، ۱۳۸۷: ۲۹۵-۲۹۶).

هشتم، تصاویر از حیث کمیت باید محدود و مختصر و به اندازه باشند؛ یعنی باید برای مفاهیم اساسی و به هنگام ضرورت از تصویر کمک گرفت و نباید کتاب را آلبومی از عکس‌ها کرد (القاسمی، ۱۹۹۱: ۱۵۳؛ احدیان، ۱۳۹۶: ۱۰۰). از طرفی، باید بین میزان تصاویر به کار رفته در صفحات مختلف کتاب تقریباً تناسب باشد؛ یعنی تعداد تصاویر بخشی از کتاب نباید به شکل چشمگیری از بخش دیگر بیشتر باشد.

اگر انواع تصاویر کتاب آموزشی، که قبلاً بیان شد، تمام موارد یادشده را داشته باشد، به راحتی این قابلیت را دارد که بسیار سریع‌تر از متن و کلام مفاهیم را انتقال دهد و یادگیری را تسهیل کند.

توصیف و تحلیل داده‌های پژوهش

داده‌های مربوط به شاخص دقت در ارتباط کامل تصاویر کتاب *تاریخ الأدب العربی* با مفاهیم

اولین شاخص در تحلیل تصاویر کتاب آموزشی، ارتباط کامل تصویر با مضامین و مفاهیم کتاب است. با بررسی ۱۲۷ تصویر موجود در کتاب *حنا الفاخوری* مشخص شد که ۹۰/۵۵ درصد این تصاویر با متنی که در آن قسمت آمده است کاملاً ارتباط دارند، و ۹/۴۵ درصد از این تصاویر با متن ارتباطی ندارند.

جدول ۱ تعداد تصاویر متناسب و غیر متناسب با شاخص دقت در ارتباط کامل تصویر با مفاهیم و درصد آن‌ها

شاخص دقت در ارتباط کامل تصویر با مفاهیم	رعایت شاخص	رعایت نکردن شاخص	کل
تعداد	۱۱۵	۱۲	۱۲۷
درصد	۹۰/۵۵	۹/۴۵	۱۰۰

آمار ذکر شده در جدول ۱ نشان می‌دهد که از مجموع ۱۲۷ تصویر کتاب، ۱۱۵ تصویر به گونه‌ای انتخاب شده‌اند که به طور مستقیم با مضامین و متن مجاور خود ارتباط دارند. آمار گویای این است که بخش زیادی از تصاویر کتاب مطابق با این شاخص هستند و در انتخاب آن‌ها دقت شده است. دقت در این مورد امری ضروری است؛ زیرا تصویرسازی کتاب صرفاً تزئین کتاب نیست، بلکه ابزار و یا به بیان بهتر، زبانی است برای القا و کمک به دریافت مطالبی که در کتاب مطرح شده‌اند. پس تصویرسازی به طور کلی، وسیله، زبان یا راهی است برای انتقال هرچه بهتر مطلب. گاه تصویرسازی پا را از مطلب فراتر می‌گذارد و علاوه بر کمک به درک مطلب، خود نیز اطلاعات و یا حس دیگری به بیننده منتقل می‌کند (پژوهشی، ۱۳۷۳: ۴۶). از آنجا که مهارت‌های درک تصویری، رابطه مستقیمی با آموزش‌های پایه درسی دارد، لازم است تا در ارتباط با انواع نگاره‌های تصویری که در کتاب‌های درسی استفاده می‌شود، اصول درک نشانه‌ها و پیوستگی میان متن و تصویر رعایت شود (درودی، ۱۳۸۸: ۱۳۱).

داده‌های مربوط به شاخص وضوح تصاویر کتاب

دومین شاخص بررسی در تحلیل تصاویر کتاب آموزشی، واضح و روشن بودن است. با

بررسی تصاویر کتاب مورد مطالعه در این مقاله، مشخص شد که از مجموع ۱۲۷ تصویر موجود در این کتاب، تعداد تصاویری که در انتخاب آن‌ها معیار وضوح رعایت نشده است، با ۷۷/۱۶ درصد بیشترین تصاویر کتاب را تشکیل می‌دهند، در حالی که تعداد تصاویری که در انتخاب آن‌ها این معیار رعایت شده است، با ۲۲/۸۳ درصد، تعداد کمی از تصاویر کتاب را شامل می‌شوند.

جدول ۲ تعداد تصاویر متناسب و غیر متناسب با شاخص واضح و روشن بودن و درصد آن‌ها

شاخص واضح و روشن بودن تصویر	رعایت شاخص	عدم رعایت شاخص	کل
تعداد	۲۹	۹۸	۱۲۷
درصد	۲۲/۸۳	۷۷/۱۶	۱۰۰

آمار جدول ۲ گویای این است که در بخش زیادی از تصاویر کتاب، ۷۷/۱۶ درصد یعنی ۹۸ تصویر واضح و روشن نیستند. در مقابل، تعداد ۲۹ تصویر شامل ۲۲/۸۳ درصد این ویژگی را دارند. با استفاده از این داده‌ها به خوبی می‌توان فهمید که بیشتر تصاویر قابلیت جذب بیننده، و تفسیر آن، و در نهایت کمک به فهماندن مطالب کتاب را نخواهد داشت. تصویرهای مات و کم‌رنگ از شفافیت تصویر می‌کاهند و عناصر تصویری را در پس‌زمینه نگاه می‌دارند، و یا آن‌ها که لایه‌ای از ابهام، دل‌تنگی، و گم‌شدگی بر آن می‌کشند (اکرمی، ۱۳۸۴: ۹۷-۹۸).

داده‌های مربوط به شاخص شلوغ نبودن و پیچیدگی تصاویر کتاب

سومین ویژگی یک تصویر استاندارد در کتاب آموزشی شلوغ نبودن و پیچیده نبودن آن است. داده‌های به دست آمده از بررسی تصاویر کتاب مورد نظر نشان می‌دهد که از مجموع ۱۲۷ تصویر کتاب، در ۴۴ تصویر یعنی ۳۴/۶۴ درصد از کل تصاویر این استاندارد رعایت شده و در ۸۳ تصویر، یعنی ۶۴/۳۵ درصد، این استاندارد رعایت نشده است.

جدول ۳ تعداد تصاویر متناسب و غیر متناسب با شاخص شلوغ نبودن و پیچیدگی و درصد آن‌ها

شاخص شلوغ نبودن و پیچیدگی تصویر	رعایت شاخص	رعایت نکردن شاخص	کل
تعداد	۴۴	۸۳	۱۲۷
درصد	۳۴/۶۴	۶۴/۳۵	۱۰۰

همان گونه که در جدول ۳ ملاحظه می‌شود بیشتر تصاویر کتاب *تاریخ الأدب العربی*، یعنی ۶۴/۳۵ درصد آن‌ها، با این معیار تناسب ندارند؛ یعنی شلوغ و پیچیده هستند. اگر تصویری در کتاب، شلوغ و پیچیده باشد دانشجو نه تنها علاقه‌ای به نگاه کردن به آن ندارد، بلکه ممکن است سردرگم شده و در خواندن ادامه متن با مشکل مواجه شود؛ زیرا خواننده متن پس از دقت و تلاش فراوان برای فهم غرض اصلی تصویر به نتیجه‌ای نمی‌رسد. تصویر آموزشی که برای بیان مفهومی مشخص به کار می‌رود باید در کمترین زمان و با کمترین تلاش ممکن، معلومات را به دانشجویان انتقال دهد (الفاعوری و أبو عوض، ۲۰۱۲: ۲۷۵)؛ به بیان دیگر، وقتی تصاویر کتاب‌های درسی در فرایند یاددهی - یادگیری نقشی مثبت ایفا می‌کنند که بر اساس اصول طراحی آموزشی، انتخاب، یا تولید شده باشند، و گرنه، گاهی اوقات حتی نقش محرک مزاحم را خواهند داشت (نوریان، ۱۳۸۷: ۱۴۱، به نقل از: نلسون).

داده‌های مربوط به شاخص تعبیر و تفسیربرانگیز بودن تصاویر کتاب

چهارمین شاخص بررسی در تحلیل تصاویر کتاب آموزشی، تعبیر و تفسیربرانگیز بودن است. داده‌های به دست آمده از این بخش نمایانگر این است که از مجموع ۱۲۷ تصویر کتاب، در ۴۴ تصویر یعنی ۳۴/۶۴ درصد این شاخص رعایت شده، و در ۸۳ تصویر، یعنی ۶۵/۳۶ درصد این شاخص رعایت نشده است.

جدول ۴ تعداد تصاویر متناسب و غیر متناسب با شاخص تعبیر و تفسیربرانگیز بودن و درصد آن‌ها

شاخص تعبیر و تفسیربرانگیز بودن تصویر	رعایت شاخص	رعایت نکردن شاخص	کل
تعداد	۴۴	۸۳	۱۲۷
درصد	۳۴/۶۴	۶۵/۳۶	۱۰۰

داده‌های به دست آمده از بررسی تصاویر کتاب نشان می‌دهد که ۶۵/۳۶ درصد این تصاویر، یعنی بخش اعظم، به هیچ عنوان تفسیربرانگیز نبوده، و دانشجو را به تعمق در فهم عناصر تصویر و هدف آموزشی آن وادار دارد. از این مجموع فقط ۳۴/۶۴ درصد که بخش کمی است، این معیار را رعایت کرده‌اند؛ و این در حالی است که یکی از اهداف مهم در انتخاب تصویر برای کتاب آموزشی، و کمک کردن تصویر به امر یادگیری رعایت این معیار در آن است. مثلاً هنگامی که بخواهیم تصویر ابونواس را که به اشعار خمیری خود معروف

است به نمایش بکشیم، باید تصویر یا نقاشی او را با جامی در دست نشان دهیم تا دانشجو به بیان و شرح و تفسیر هدف از آوردن چنین تصویری پردازد. اما همان گونه که قبلاً گفته شد نباید به منظور تفسیربرانگیز کردن تصویر، آن را بسیار پیچیده کرد. دانشجو باید به راحتی و با کمترین تلاش، پیام اصلی تصویر را درک کند (القاسمی، ۱۹۹۱: ۱۵۵).

داده‌های مربوط به شاخص تناسب تصاویر کتاب با هدف یادگیری

یکی دیگر از شاخص‌های یک تصویر استاندارد برای کتاب آموزشی، تناسب تصویر با هدف یادگیری است. از مجموع ۱۲۷ تصویر کتاب مورد مطالعه در این پژوهش، در ۸۲ تصویر یعنی ۶۴/۵۶ درصد این شاخص رعایت شده، و در ۴۵ عدد از تصاویر یعنی ۳۵/۴۴ درصد، این شاخص رعایت نشده است.

جدول ۵ تعداد تصاویر متناسب و غیر متناسب با شاخص تناسب تصویر با هدف یادگیری و درصد آن‌ها

شاخص تناسب تصویر با هدف یادگیری	رعایت شاخص	رعایت نکردن شاخص	کل
تعداد	۸۲	۴۵	۱۲۷
درصد	۶۴/۵۶	۳۵/۴۴	۱۰۰

جدول ۵ نشان می‌دهد که تعداد ۸۲ تصویر، یعنی ۶۴/۵۶ درصد از مجموع تصاویر کتاب، متناسب با هدف یادگیری به کار رفته‌اند. این تعداد بیش از نصف تصاویر کتاب را شامل می‌شود، اما ۳۵/۴۴ درصد از این تصاویر با اهداف آموزشی سازگاری ندارند و در انتخاب آن‌ها دقت نشده است؛ یعنی نزدیک به نیمی از تصاویر کتاب، از این منظر، استاندارد تصویر کتاب آموزشی را رعایت نکرده‌اند. این در حالی است که «کتاب‌های درسی عمدتاً با هدف آموزشی طرح‌ریزی شده‌اند، و طبیعتاً تصاویر نیز باید از این هدف تبعیت کنند» (پژوهشی، ۱۳۷۳: ۴۸). برای مثال، هدف آموزشی درس تاریخ ادبیات دوره جاهلی تا پایان اموی در سرفصل وزارت علوم، آشنایی با ادبیات جاهلی و اسلامی و اموی و تحلیل اوضاع سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و ادبی آن دوره است (شورای برنامه‌ریزی آموزش عالی وزارت علوم، ۱۳۸۹: ۳۵). هنگام سخن از اوضاع ادبی این دوره می‌توان نقاشی یا تصویری از تعلقات سبع را برگزید یا هنگام صحبت از اوضاع سیاسی - اجتماعی باید تصویر تعدادی از قبایل مختلف و رئیس قبیله و... را ارائه کرد. در این صورت، تصویر متناسب با هدف به کار رفته است.

داده‌های مربوط به شاخص توانایی تصاویر کتاب در جذب بیننده و برانگیختن علاقه او ششمین شاخص یک تصویر مناسب برای کتاب آموزشی، جذب بیننده و برانگیختن علاقه اوست. داده‌های به دست آمده از بررسی این شاخص در تصاویر کتاب تاریخ الأدب العربی نشان می‌دهد که از مجموع ۱۲۷ تصویر کتاب، ۷۰ عدد یعنی ۵۵/۱۹ درصد، این شاخص را دارند، و ۵۷ عدد یعنی ۴۴/۸۱ درصد آن‌هاست این شاخص را ندارند.

جدول ۶ تعداد تصاویر متناسب و غیر متناسب با شاخص توانایی تصویر در جذب بیننده و برانگیختن علاقه او و درصد آن‌ها

شاخص توانایی تصویر در جذب بیننده	متناسب با شاخص	غیر متناسب با شاخص	کل
تعداد	۷۰	۵۷	۱۲۷
درصد	۵۵/۱۹	۴۴/۸۱	۱۰۰

آمار گویای این است که بیش از نیمی از تصاویر کتاب، قابلیت جذب و برانگیختن علاقه خواننده را دارند و در مقابل تقریباً کمتر از نصف این تصاویر، بیننده را جذب نمی‌کند و موجب برانگیختن علاقه او نیستند. به عبارتی، تصاویر به گونه‌ای به نمایش کشیده شده‌اند که دانشجو رغبتی در نگاه کردن به آن‌ها داشته باشد. این تعداد که از این نظر استاندارد نیستند برای یک کتاب تا حدودی زیاد است؛ زیرا جذب بیننده از جمله اهداف مهم در به کارگیری تصویر در کتاب است. به عبارت دیگر، تصویرسازی دو هدف جذب و فهم را دنبال می‌کند. جذب لازمه فهم است؛ یعنی تصویر باید ابتدا بیننده را جذب کند و سپس به فهماندن مطالب کتاب به او کمک کند (پژوهشی، ۱۳۷۳: ۴۶).

داده‌های مربوط به شاخص رنگ آمیزی خوب و مؤثر، برجستگی، و تنوع خط و شکل تصاویر

هفتمین شاخص که از مهم‌ترین عوامل مؤثر در تحقیق اهداف آموزشی تصاویر کتاب است، رنگ آمیزی خوب و مؤثر، برجستگی، و تنوع خط و شکل در تصاویر است. از مجموع ۱۲۷ تصویر هیچ‌یک رنگ آمیزی خوب و مؤثر، برجستگی، و تنوع خط و شکل را ندارند. به عبارتی، تمامی این تصاویر با شاخص ذکر شده تناسبی ندارند.

جدول ۷ تعداد تصاویر متناسب و غیر متناسب با شاخص رنگ آمیزی خوب و مؤثر، برجستگی، و تنوع خط و شکل تصویر و درصد آن‌ها

کل	رعایت نکردن شاخص	رعایت شاخص	شاخص رنگ آمیزی خوب و مؤثر، برجستگی، و تنوع خط و شکل تصویر
۱۲۷	۱۲۷	۰	تعداد
۱۰۰	۱۰۰	۰	درصد

جدول ۷ نشان می‌دهد که در بین همه تصاویر کتاب *تاریخ الأدب العربی صفر* درصد از نظر این شاخص استاندارد بوده و ۱۰۰ درصد تصاویر، که کل آن‌هاست، از این نظر غیر استانداردند. این ارقام نمایانگر این است که طراح تصاویر کتاب به هیچ عنوان به عنصر رنگ در انتخاب تصاویر کتاب پایبند نیست، در صورتی که رنگ، کامل کننده خط و فرم (شکل) در آفرینش تصویر است. افزون بر امکانات زیبایی شناسی که رنگ در تصویر ایجاد می‌کند، پیدایش احساس و عاطفه در نمایش رنگ، هدفی است که تصویرگر به آن توجه دارد و رنگ به خودی خود، وسیله پرقدرتی برای بیان حالت‌های عمیق درونی است (اکرمی، ۱۳۸۴: ۹۶).

همه تصاویر کتاب *تاریخ الأدب العربی* دارای رنگ‌های آکروماتیک (سیاه، سفید و خاکستری) اند و این در حالی است که همراهی رنگ‌های آکروماتیک با رنگ‌های کروماتیک (زرد، قرمز، آبی و ترکیب آن‌ها) و یا آمیختن آن‌ها با هم است که موجب پدید آمدن جلوه‌های دیداری گوناگون، و جذاب تر و دلنشین تر شدن تصویر شده، و به تحقیق اهداف آموزشی تصویر کمک بیشتری می‌کند (اکرمی، ۱۳۸۴: ۹۸).

داده‌های مربوط به شاخص به اندازه بودن تصاویر کتاب از حیث کمیت آخرین شاخص یک تصویر مناسب برای کتاب آموزشی، به اندازه بودن تصاویر کتاب از حیث کمیت است. یعنی تصاویر نباید آن قدر زیاد باشند که کتاب را آلبومی از تصاویر کنند و از سویی، با توجه به تأثیر ویژه آن در یادگیری، نباید استفاده از آن در بخشی از صفحات فراموش شود. جدول زیر توزیع تصاویر در هر ۱۰۱ صفحه از کتاب *تاریخ الأدب العربی* را به صورت مجزا نشان می‌دهد.

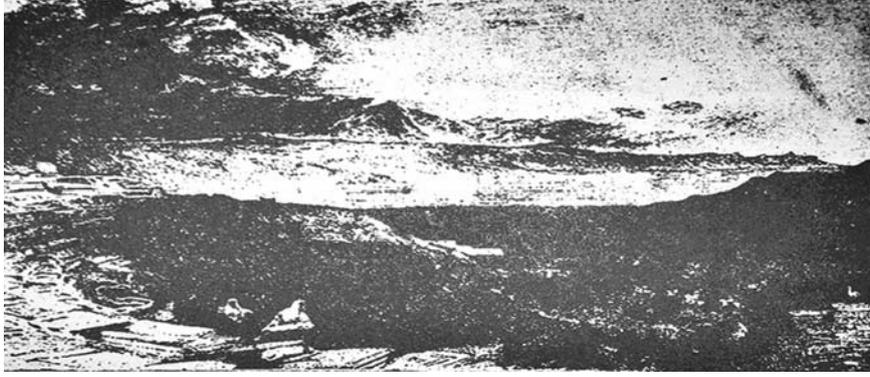
جدول ۸ تعداد و درصد توزیع تصاویر در هر ۱۰۱ صفحه کتاب به صورت مجزا

صفحه	۱۰۱-۱	۱۰۲-	۲۰۴-	۳۰۵-	۴۰۶-	۵۰۷-	۶۰۸-	۷۰۹-	۸۱۰-	۹۱۱-	۱۰۱۲ تا	کل
تعداد	۱۵	۱	۳	۱۳	۷	۶	۳	۲۲	۱۴	۲۴	۱۹	۱۲۷
درصد	۱۱/۸۱	۰/۷۸	۲/۳۶	۱۰/۲۳	۵/۵۱	۴/۷۲	۲/۳۶	۱۷/۳۲	۱۱/۰۲	۱۸/۸۹	۱۴/۹۶	۱۰۰

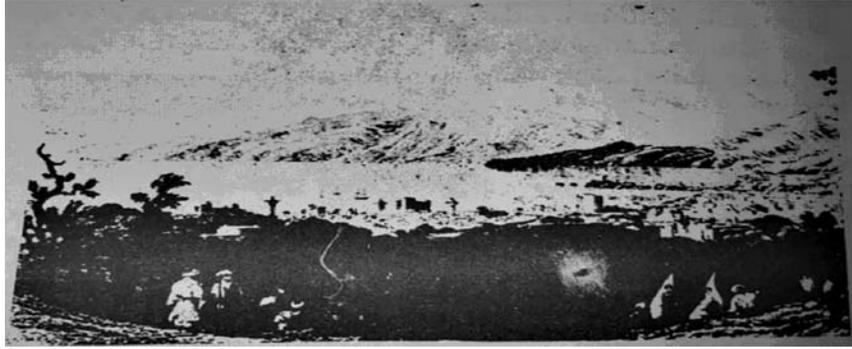
همان‌گونه که در جدول ۸ مشاهده می‌شود، در برخی از بخش‌های ۱۰۱ صفحه‌ای کتاب *تاریخ الأدب العربی* بسیار کم، و در برخی قسمت‌ها زیاد از تصویر استفاده شده است. برای مثال، در بخش دوم کتاب یعنی صفحات ۱۰۲ تا ۲۰۳ فقط یک تصویر وجود دارد و همچنین در بخش سوم و هفتم یعنی در صفحات ۲۰۴ تا ۳۰۵ و ۶۰۸ تا ۷۰۹ تنها سه تصویر وجود دارد، که این میزان برای این تعداد صفحه بسیار کم است، در حالی که در بخش هشتم و دهم کتاب یعنی صفحات ۷۰۹ تا ۸۱۰ و ۹۱۱ تا ۱۰۱۲، تعداد تصاویر موجود به ترتیب ۲۲ و ۲۴ عدد است. پس به خوبی می‌توان دریافت که تعداد تصاویر در صفحات مختلف کتاب تناسبی ندارند و گاهی در مواردی که ضروری بوده از تصویر استفاده نشده است. مثلاً، در بخش دوم کتاب، طراح تصاویر، فقط تصویر *عنترة بن شداد* را - از نوع نقاشی، که در انواع تصویر جزء نمایش تصویری است - به نمایش کشیده است، در حالی که تصویر شخصیت‌های مهم دیگر همچون *زهیر بن ابی سلمی و طرفة بن العبد* وجود ندارد. همچنین، در بخش دهم، تصویرساز کتاب، برای *تک تک اشخاص* تصویر آورده در حالی که *ژوزف کوهیل*، که نظریه تدریس تاریخ را فقط با تصویر ارائه کرده، معتقد است که: «لازم نیست برای *تک تک* افراد حاضر در ماجرای تاریخی تصویر تهیه کنیم، چون این عمل موجب سردرگمی دانشجو می‌گردد. بنابراین، سعی کنیم تا تنها برای افراد مهم و کلیدی تصویر تهیه کنیم» (کوهیل، ۱۳۹۳: ۱۶).

در زیر تعدادی از تصاویر کتاب را که استانداردهای مذکور را ندارند ملاحظه

می‌کنید:



بحيرة طبرية عن لوحة قديمة
تصوير ١ تصوير صفحة ٦٠١ كتاب



بيروت و جبل لبنان
تصوير ٢ تصوير صفحة ٨٨٧ كتاب
(عن رسم قديم)



قنديلان من صنّع العربيّة بظّهر فيهما بعض حيوان البلاد
تصوير ٣ تصوير صفحة ١١ كتاب

نتیجه‌گیری

تصویر در درس تاریخ ادبیات اهمیت بسزایی دارد، زیرا در کنار متن به تسهیل فرایند یادگیری کمک شایانی می‌نماید. با توجه به این که بیشترین یادگیری انسان از طریق حس بینایی است، دانشجو می‌تواند برخی از حقایق و شخصیت‌های تاریخی را، که امکان دیدنشان میسر نیست، از طریق مشاهده تصاویر مربوط به آن‌ها بهتر، و به شکلی آسان‌تر فراگیرد و بشناسد؛ با این همه، نتایج به دست آمده از بررسی تصاویر کتاب *تاریخ الأدب العربی*، حاکی از وجود نقص در این تصاویر است.

تصویرگر کتاب باید تمامی شاخص‌ها و استانداردهای تصویر مناسب برای کتاب آموزشی را رعایت کند تا اهداف آموزشی تصویر تحقق یابد؛ یعنی تصویری که انتخاب می‌شود باید ارتباط کامل با متن کتاب داشته باشد، واضح و روشن باشد، پیچیده و شلوغ نباشد، تفسیربرانگیز باشد، با هدف یادگیری تناسب داشته باشد، بیننده را جذب کرده و علاقه او را برانگیزد، رنگ آمیزی خوب و مؤثر داشته، و در صفحات مختلف به اندازه به کار رفته باشد. اما نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که تصویرگر کتاب مذکور، در رعایت بیشتر استانداردها، موفق نبوده است. بنابراین، این تصاویر نمی‌توانند برای این کتاب، که از اصلی‌ترین منابع در آموزش سرفصل تاریخ ادبیات عربی در رشته زبان و ادبیات عربی در دوره کارشناسی است، مناسب باشند. این امر بیانگر این است که در انتخاب کتاب آموزشی درس مزبور توجه چندانی به نیازهای دانشجویان نمی‌شود، در حالی که توجه به خواسته‌های زبان‌آموز در تهیه محتوای آموزشی امری ضروری است. از این رو، در تألیف کتاب آموزشی تاریخ ادبیات نیاز به طراحی تصاویری بهتر که باعث ایجاد شوق به یادگیری این درس در بین دانشجویان شود، و یادگیری حقایق تاریخی را ملموس‌تر و بهتر کند، دیده می‌شود.

راهکارها و پیشنهادها

۱. پیشنهاد می‌شود مؤلفان کتاب‌های درسی دانشگاهی از اهمیت فراوان استفاده از تصویر در کتاب‌های آموزشی زبان و ادبیات خارجی و به ویژه عربی غفلت نورزند و در گزینش تصاویر استانداردهای تصویر مطلوب را رعایت نمایند.
۲. با توجه به اهمیت فراوان تصویر در آموزش تاریخ ادبیات پیشنهاد می‌شود پژوهشی شبه‌تجربی انجام شود و به گروه کنترل درس تاریخ ادبیات را با روش سنتی و به

گروه آزمایش، فقط با تصویر آموزش داده شود تا از طریق مقایسه دو گروه مؤثر بودن یا نبودن این روش مشخص شود.

۳. پژوهش‌های بیشتری در خصوص تأثیر استفاده از تصویر در آموزش زبان دوم و به ویژه زبان عربی انجام شود.

منابع

- ابو الفرج، محمد أحمد (۱۹۶۶). *المعجم اللغوية في ضوء الدراسات علم اللغة الحديث*، بیروت: دارالنهضة العربية.
- احدیان، محمد (۱۳۹۶). *مقدمات تکنولوژی آموزشی*، چاپ دوم، شرکت بین‌المللی نشر و تبلیغ نشری. استوتی، ایو فوجی (۲۰۱۴). *تأثیر استخدام وسیلة الصورة في تعليم مهارة الكلام لتلاميذ الصف الثامن بالمدرسة الثانوية الإسلامية نور الهدی فولی ترنجالیک*، پژوهشی برای دریافت مدرک عالم دینی، اندونزی: دانشگاه تولونگ اگونگ.
- اکرمی، جمال‌الدین (۱۳۸۴). «بررسی عناصر دیداری در تصویرگری (رنگ، بافت)»، کتاب ماه کودک و نوجوان، شماره ۹۵، ص ۹۶-۱۰۶.
- بولان، ژاک و همکاران (۱۳۶۶). *به سوی آموزش شنیداری دیداری*، ترجمه پیروز سیار، تهران: سروش. پژوهشی، اردشیر (۱۳۷۳). «تصویرسازی کتاب‌های درسی (نگاهی به تصاویر کتاب‌های فارسی دوره دبستان)»، *رشد معلم*، شماره ۱۰۲، ص ۴۶-۴۸.
- جموعی، تارش (۲۰۱۳). *المعجم الموجهة للطلاب في ضوء المعجمية الحديثة*؛ معجم الطلاب لیوسف شکری - عینة، رساله کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات عربی، دانشگاه قاصدی مریح (ورقله).
- داوری اردکانی، نگار و آناهیتا فارسی (۱۳۹۲). «گرافیک در کتاب‌های آموزش زبان فارسی به غیر فارسی‌زبانان: نقش ارتباطی و کارکرد آثار گرافیک در رویدادهای آموزشی»، *پژوهش‌نامه آموزش زبان فارسی به غیر فارسی‌زبانان*، سال دوم، شماره نخست.
- درودی، فریبرز (۱۳۸۸). «کاربرد فنون و روش‌های مصورسازی اطلاعات و تأثیر سواد دیداری در فعالیت‌های آموزشی»، *فصلنامه نوآوری آموزشی*، سال هشتم، شماره ۳، ص ۱۰۵-۱۳۸.
- ذوفن، شهناز و خسرو لطفی‌پور (۱۳۷۳). *تولید و کاربرد مواد آموزشی*، تهران: شرکت چاپ و نشر ایران.
- زارعی زوارکی، اسماعیل و فاطمه جعفرخانی (۱۳۹۲). «بررسی کاربرد تصویر در آموزش ویژه»، *مجله تعلیم و تربیت استثنایی*، سال سیزدهم، شماره ۷، پیاپی ۱۲۰، ص ۲۷-۳۶.
- سعدی، حشمت‌الله (۱۳۷۶). «کاربرد عکس در آموزش کشاورزی»، *جهاد*، سال هفدهم، شماره ۱۹۵، ص ۲۰-۲۴.
- شاد قزوینی، پریسا (۱۳۸۷). «ویژگی‌های تصویری در کتاب‌های قرآنی کودکان»، *پژوهش‌های قرآنی*، سال چهارم، شماره ۵۴-۵۵، ص ۲۹۰-۳۱۹.
- شورای برنامه‌ریزی آموزش عالی وزارت علوم (۱۳۸۹). *سرفصل‌بازنگری شده رشته زبان و ادبیات عربی در دانشگاه‌ها*.

- صدرزاده، ماندانا (۱۳۸۴). «رویکرد ارتباطی و روش سمعی - بصری: تقابل دیدگاه‌های آموزشی»، مجله پژوهش زبان‌های خارجی، شماره ۲۳، ص ۱۱۹-۱۳۸.
- ظهراپی، محمد (۱۳۸۶). «نقش تصویر و متن در یادگیری»، فصلنامه علامه، شماره ۱۳، ص ۲۴۹-۲۶۰.
- الفاخوری، حنا (۱۳۹۰). *تاریخ الأدب العربی*، چاپ ششم، تهران: توس.
- الفاخوری، عونى، و إيناس أبو عوض (۲۰۱۲). «أثر استخدام الصورة فى تعليم اللغة العربية للناطقين بغيرها فى الجامعة الأردنية»، *مجله دراسات العلوم الإنسانية والاجتماعية*، دوره ۳۹، شماره ۲، ص ۲۷۵-۲۸۴.
- القاسمى، على (۱۹۹۱). *علم اللغة و صناعة المعجم*، چاپ دوم، الرياض: مطابع جامعة الملك سعود.
- قیاندارى بیدگلی، فهیمه، و سید محمد ضیاحسینی (۱۳۹۲). «تأثیر استفاده از تصویر در افزایش دانش واژگانی فارسی آموزان خارجی؛ مطالعه موردی فارسی آموزان کره‌ای»، *پژوهش‌نامه آموزش زبان فارسی به غیر فارسی زبانان*، سال دوم، شماره ۲، ص ۱۱۹-۱۳۸.
- کعیسیس، بدره (۲۰۱۰). *سیمبائیة الصورة فى تعليم اللغة العربیة*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، الجزائر: دانشگاه فرحات عباس (سطیف).
- کوهیل، ژوزف (۱۳۹۳). «استفاده از تصویر در تدریس تاریخ»، *مجله رشد آموزش تاریخ*، ترجمه داریوش زارع و منصور چهارازی، دوره ۱۵، شماره ۴، ص ۱۰-۱۶.
- لرین والتر و موریس سنداک (۱۳۷۷). «فضای خالی در متن؛ گفتگوی والتر لرین با موریس سنداک»، *پژوهش‌نامه ادبیات کودک و جوان*، ترجمه زهره قاینی، شماره ۱۱ و ۱۲، ص ۷۵-۸۱.
- نوریان، محمد (۱۳۸۷). «بررسی چگونگی به کارگیری اصل تأکید در طراحی تصاویر کتاب‌های درسی پایه دوم و پنجم دوره ابتدایی»، *اندیشه‌های نوین تربیتی*، دوره ۴، شماره ۳، ص ۱۲۷-۱۴۴.
- Wright, A. (1989). *Pictures for Language Learning*, Cambridge: Cambridge University Press.